

## قلعه منصور کوه دامغان

در سالهای گذشته وصف قلاع «گرد کوه» و «مهرنگار» دامغان از نظر گرامی خوانندگان «ینما» گذشت و وعده داده شد که موقیعت و سرگذشت قلعه «منصور کوه» دامغان نیز برای آگاهی بیشتر علاقمندان تهیه و تقدیم گردد و اکنون آنچه را که در امکانات تحقیقی حقیر بوده، تحریر و با انضمام تصویری از این بنای عظیم تاریخی، به معرض دید و مطالعه محققین قرار می‌دهد:

### گرد کوه، مهرنگار و منصور کوه در منابع تاریخی:

کوهسار شمالی دامغان از قدیم‌ترین زمان تاریخی شاهد ماجراهای تلخ و شیرینی بوده و آثار و ابنیه‌ای که بر فراز این بلندی‌ها دیده می‌شود، تاریخ گویائی از ازمینه مختلف می‌باشد. از جمله این بناها، ساختمان قلعه «منصور کوه» است که از بناهای فرقه اسماعیلیه بوده و در کتب تاریخی به شرح زیر از آن یاد شده است:

«حمدالله مستوفی» در صفحه ۲۰۱ کتاب «نزهت القلوب» در ذکر دیار قومس و طبرستان، آورده است: «گرد کوه - آنرا دژ گنبدان گفته‌اند سه فرسنگ است به دامغان، پیرامون او منصور آباد» و «قهاب رستاق» است زراعات و محصول بسیار دارد.

در صفحه ۳۴ کتاب «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» تألیف میرظهیرالدین مرعشی در ذکر محاصره قلعه گرد کوه چنین آمده است: «ملک باوند و گاو پاره به اتفاق همدیگر به امر جهان مطاع خانی به محاصره گرد کوه رفتند، و آن قلعه در دامغان است در دهی که به منصور آباد اشتهار دارد». همچنین در صفحه ۱۹ کتاب فوق چنین مندرج است: «ملک شاه غازی رستم با لشکر خود به بیابان قلعه نهره و منصور کوه برفت و هشت ماه محاصره کرد و مستخلص گردانید».

در مورد مطالب مندرج در دو کتاب مزبور باید متذکر شد که تصور می‌شود هر دو مورد «منصور کوه» را با «گرد کوه» اشتباه کرده‌اند؛ زیرا گرد کوه در مغرب دامغان است و با آبادیهای مجاور فاصله دارد و جوانب آن، خشک و بی‌آب و علف می‌باشد. ولی منصور کوه در جانب شمال شرقی دامغان واقع شده و مندرجات کتابهای مورد ذکر با موقیعت «منصور کوه» مطابقت دارد، زیرا قلعه منصور کوه در جوار شمالی آبادی سرسبز و باسقای منصور آباد قرار گرفته است.

استاد دکتر منوچهر ستوده در صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱ کتاب خود بنام «قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز»، در اوصاف «منصور کوه» چنین نگاشته است:

«یکی از راههای قدیمی و معمور استرا با دراهی است که از دامغان به «آستانه» و «چشمه علی»

## نمایی از دهکده منصورکوه دامغان



و «کلاته» و «چهارده» می‌رود و از آنجا به خط مستقیم به استرآباد می‌رسد. از دامغان بطرف شمال، جلگه ایست که کم کم سر بالا می‌رود و به کوههای کوتاهی می‌رسد که دریای کوههای بلندتری قرار گرفته‌اند. بر همین رشته کوههای کوتاه است که در طرف مغرب «قلعه گردکوه» و در طرف شرقی شهر دامغان قلعه‌های «مهرنگار» و «منصورکوه» ساخته شده است. کوههای آستانه پر آب و دامنه‌های آن چمن‌زار و اغلب دارای زهاب زیادی است. آب چشمه با این زهابها جمع می‌شود و تشکیل رودخانه کوچکی می‌دهد که به شهر دامغان می‌آید به ساحل یسار رودخانه - یعنی طرف شرقی آن در دشت «آهوانو» دو کوه منفرد است که بر قلعه کوه غربی آن قلعه مهرنگار (مهرین) و بر قلعه کوه شرقی آن قلعه «منصورکوه» واقع است. از بانی و تاریخ این دو قلعه خبری نداریم. ابن اسفندیار نام این دو قلعه را «مهرین» و «منصوره کوره» ضبط کرده است و میرظهیرالدین مرعشی آن دورا به نام «نهرین» و «منصوره کوه» خوانده است. در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار نام قلعه دوم «منصوره کوره»، بدون شک اشتباه نساخ است و راء «کوره» زائد است و در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران میرظهیرالدین، ضبط «نهرین» نیز صحیح به نظر نمی‌رسد و احتمال دارد همان کلمه «مهرین» به دست نساخ به این شکل درآمده. امروز «مهرین» را «مهرنگار» گویند و «منصور کوه» به همان نام قدیم

خود معروف و مشهور است. طرز دست یافتن اسماعیلیان بر این دو قلعه بر ما مجهول است. اینقدر اطلاع داریم که ملک شاه غازی رستم (۵۱۱ - ۵۳۴) از ملوک مازندران این قلعه را بقهر از اسماعیلیان گرفته است.

سپس به شرح این واقعه مشروحاً اشاره نموده که برای جلو گیری از تفصیل مقال، از ذکر آن خودداری می‌شود و اضافه مینماید، چنین تصور می‌رود که استاد ستوده شخصاً قلعه منصور کوه را از نزدیک ندیده باشند، بدین دلیل که در کتاب خود نه تنها شرحی در وضعیت ساختمان قلعه ننوشته، بلکه تصویری نیز ارائه نداده اند در صورتی که کتاب فوق دارای عکس‌های متعددی از قلاع البرز کوه از جمله «گردکوه» و «مهرنگار» می‌باشد شاید هم در موقع دیدار از این قلعه وسیله عکسبرداری همراه نداشته‌اند و این غیر ممکن به نظر می‌رسد.

### مشاهدات شخصی :

اینجانب به منظور دیدار و تهیه تصاویری از این قلعه که در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی دامغان قرار دارد، در مرداد ماه ۲۵۳۶ با توافق برادران و یاران موافق از جمله آقای موسی احمدیان دانشجوی فاضل دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه جندی شاپور از شهر دامغان بدانصوب عزیمت نمودیم. مرکب ما سواری پیکان بود و چون از جاده‌ای عبور کردیم که مربوط به معدن زغال سنگ منصور کوه می‌باشد و از این معدن بهره‌برداری می‌شود و ما این - آلات آن همیشه در رفت و آمد هستند، بدینجهت مستقیماً تا داخل آبادی از همین وسیله استفاده شد و با مشکلی مواجه نشدیم.

آبادی منصور کوه اکنون خالی از سکنه است ولی ظواهر چنین نشان میدهد که تا چند سال پیش چندین خانوار در آنجا سکونت داشته‌اند زیرا هم اکنون ساختمانیها و باغها و مزارع متعددی در آنجا مشاهده می‌شود که متأسفانه بصورت نیمه مخروبه درآمده است و تنها یک خانواده در این آبادی زندگی می‌کنند و به کار کشاورزی و دامداری و پرورش طیور مشغول هستند.

به محض ورود در سایه درختان تنومند «گردو» و کنار نهر آب جایی را برای نشیمن انتخاب نموده و پس از استراحتی کوتاه و صرف نان و چای، بچه‌ها و اتومبیل را به آن خانواده سپرده و پیاده بطرف کوه روان شدیم. بعد از گذشتن از کوچه‌های سبز و خرم دهکده که در مسیر آن باغهای بی سر و سامان و ساختمانهای خالی قرار داشت، به خارج از دهکده رسیدیم و بابتی مسافتی کوتاه که جریان نهر آب خوشگوار چشمه منصور کوه در مسیر آن قرار داشت، به پای کوه رسیدیم که چشمه آب از جانب مغرب آن می‌جوشید و به طرف دهکده جریان می‌یافت. یادآوری این مطلب لازم است که وجود این چشمه در پای این کوه امتیاز بزرگی برای این قلعه محسوب می‌شود زیرا قلاع «گردکوه» و «مهرنگار» چنین موقعیتی ندارند. بهر حال بانوشیدن چند جرعه آب از جانب مزبور راه بالای قلعه را در پیش گرفتیم که تار سیدن به سطح کوه با دشواری‌های بسیاری مواجه شدیم، ولی لذت دیدار ساختمان برجی عجیب خستگی را از ما دور ساخت.

این کوه همانطوریکه در تصویر مشاهده می‌گردد دارای ابنیه‌ای بوده و مخصوصاً در

طرف مغرب ازداننه کوه تابالا، در فواصل مختلف سه ساختمان وجود داشته که اکنون ویران گردیده و آثار دیوارهای آن باقیست و درون این ساختمانها از سنگ پر شده است. در طرف شمال، ساختمان برجی مدور دیده می شود که به برج چهل خانه معروف است و از وسط به دو قسمت تقسیم و دیوار کشی شده و هر قسمت دارای سه طبقه بوده که هر طبقه پوششی از چوب داشته است و از سطح کوه يك درگاه وجود دارد که باراهی پیچ و خم دار و پله های سنگی به طبقات قلعه رفت و آمد صورت می گرفته که اکنون کف طبقات بالا و وسط از میان رفته و فقط به طبقه زیرین که طول و عرض آن در درازترین نقطه بترتیب ۱۲ و ۴ متر می باشد، می توان رفت و آمد کرد.

این برج از عظمتی فوق العاده برخوردار بوده و نظیر چنین بنائی حتی در «گردکوه» نیز مشاهده نگردید و در ساختمان آن از سنگ و ساروج و چوب استفاده شده، ضمناً در قسمت های مختلف دیوار قلعه نورگیرهایی (پنجره) بشکل مستطیل در نظر گرفته اند که در عکسها نشان داده می شود.

این قلعه تازمان سلطنت نادر شاه افشار نیز مورد استفاده بوده ولی طبق نقل قول آقای محمد علی طاهریا در کتاب «دامغان شش هزار ساله»:

«وقتی نادر شاه پس از جنگ «مهمان دوست» در تعقیب اشرف افغان از دامغان به طرف سمنان می رفته، صاحب این قلعه با پیراهن و زیرشلوار به حضور نادر شاه می آید و در نتیجه نادر عصبانی شده و با توپ قلعه مزبور را خراب می کند».

ارتفاع این کوه طبق نشانه ای که محصلین دانشسرای مقدماتی پسران دامغان، در بلندترین نقطه آن قرارداد کرده بودند ۴۰۳ متر می باشد و ساختمانهای سطح آن به جز برجی که وصف آن گذشت بقیه منهدم و نابود گردیده است.

بازگشتمان از بالای کوه به پائین از جانب شمال انجام شد، چون راه بهتری به نظر می آمد ولی در درمان بیشتر شد و با خطرات زیادتری مواجه شدیم، اما خوشبختانه به سلامت به دامنه رسیدیم و راهی استراحتگاهمان شدیم. بعد از ناهار با تفاق بچه ها تفرج کنان به دیدن حمام دهکده رفتیم که بصورت خزینه بود و گرمی آن نشان میداد که صبح اهل آبادی از خزینه استفاده کرده اند. در این حمام پارچی دیدیم از سفال که بسیار جالب و خوش طرح بود و نشان میداد که از اشیاء زیرخاکی است. بعد به باغهای متعدد و بدون صاحب دهکده رفتیم و با اینکه در آن موقع زردآلو در دامغان بر سر درختان باقی نمی ماند، در یکی از باغها درختی مملو از زردآلو دیدیم و در باغهای دیگر از انگورهایی که بر تاکها بود استفاده کردیم و مقداری «بادام» و «گردو» که در این باغها به فراوانی یافت می شد، چیده و با خود آوردیم (البته با اجازه از کشاورز ساکن آنجا که تمام این ده در اختیار او بود).

### هنر نمائی طبیعت

از شگفتی هایی که در این دهکده مشاهده گردید، درخت توتی بود که در محوطه ای محصور به مساحتی بیش از صد متر مربع قرار داشت و چندین تنه تنومند داشت و قسمتی از تنهها بطریقی در سطح خاک گسترده بود که معلوم نمی شد ریشه این درخت چگونه و در کجا قرار

گرفته و عوام این درخت را معجز نما دانسته و به قسمت‌هایی از آن پارچه (دخیل) بسته بودند و گویا در مواقعی از سال در آنجا قربانی کرده و آتش نذری می‌پزند و تقسیم میکنند.

### محصولات دهکده

لازم به ذکر است که در این دهکده انواع محصولات نظیر آلبالو، گیلاس، زردآلو، انگور، توت، بادام و گردو و همچنین گندم و جو به خوبی و مرغوبی بدست می‌آید. متأسفانه گرایش ما به صنعت و درآمد خوب در این رشته، باعث شده است که اغلب کشاورزان از شغل اجدادی خویش دست بردارند و مانند مردم این دهکده خانه و کاشانه خود را ترک گویند و به قطب‌های صنعتی روی آور شوند و در نتیجه صدها آبادی نظیر منصور کوه خراب و خالی ازسکنه باقی بماند. در حالیکه اگر مسئولین امر در سالهای گذشته به امور کشاورزی و دامداری و خود کشاورزان و دامداران توجه بیشتری مینمودند، امروزه لاقلاً تولیدات کشاورزی و دامی احتیاجات داخلی مان را تأمین مینمود. بعنوان مثال دامغان بنا به نوشته و گفته همگان در گذشته انبار غله سمنان محسوب می‌شد ولی امروز به حدی کشاورزی آن از رونق افتاده که متأسفانه تولیدات گندم آن تکافوی احتیاجات مردم را نمی‌نماید و از شهرهای دیگر آرد و گندم به این شهر وارد می‌شود.

شایسته است اولیاء محترم وزارت کشاورزی با مطالعاتی که در سطح روستاهای کشور بعمل می‌آورند کشاورزی و دامداری را در آبادیهائی چون منصور کوه احیا نمایند. مسلماً از این راه در تولیدات کشاورزی و دامی کشور افزایش چشم‌گیری پدید خواهد آمد. امید آنکه دهکده منصور کوه با استعدادی که در آن به چشم می‌خورد، از طریق اجرای پروژه‌های کشاورزی و دامداری باردیگر رونق گذشته خود را بازیابد.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

### پشت بر خلق

سر هر کوچه و دم بازار  
گرد میکرد دور خود هر بار  
بر سر وی جماعتی بسیار  
گفت ای مرد مؤمن دیندار  
هست در شرع زشت و ناهنجار  
خلق را دوستدارم و غمخوار  
پشت بر خلق و روی بر دیوار  
جلال بقائی

شوخ طبعی ظریف و مردم‌دار  
خلق را با لطافتی شیرین  
دید روزی امام جمعه‌ی شهر  
رفت و بگرفت آستینش را  
عمل لغو و کار بی‌هوده  
گفت ای پیشوای مردم، من  
نه امام جماعتم که کنم